

مروری بر دستاوردهای استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران

محمد ملک‌زاده*

چکیده

شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال پنجاه و هفت با توجه به ماهیت ضد استکباری آن، از همان ابتدا خیزشی علیه نظام سلطه در جهان به شمار می‌رفت و پس از سقوط رژیم پهلوی که وابستگی تمام به آمریکا داشت، انقلاب اسلامی ایران جهت‌گیری‌های خود را در برابر نظام سلطه ادامه داده و به‌رغم اینکه این مواضع به حق است، برخی مدعی هستند که این رویکرد نه تنها هیچ فایده‌ای برای ما بعد از پیروزی انقلاب نداشته؛ بلکه ضرر آن بیشتر بوده است، این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی درصدد آن است تا با بررسی برخی از آثار و پیامدهای استکبارستیزی انقلاب اسلامی ایران از جمله حفظ صلح و امنیت، شکست دشمن، کاهش هزینه‌ها، حفظ عزت و اقتدار ملت ایران و ... نقش مهم و تأثیرگذار آن را در عرصه‌های بین‌المللی مورد سنجش قرار دهد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی ایران، استکبارستیزی، نظام سلطه، آثار و پیامدها.

*. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ malekzadeh1350@gmail.com.

مقدمه

ساختار کنونی نظام بین‌الملل، بر مبنای نحوه توزیع قدرت در سطح بین‌المللی شکل گرفته که در نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل مانند نظریه امپریالیسم و نظریه نظام جهانی والرتاین تبیین گردیده است. نظریه امپریالیسم مبتنی بر سیاستی است که یک کشور به دنبال بسط نفوذ و قدرت خویش بر کشورهای دیگر باشد. در یک تعریف، امپریالیسم عنوانی است برای قدرتی که بیرون از حوزه ملی خود به تصرف سرزمین‌های دیگر بپردازد و مردم آن سرزمین‌ها را به‌زور وادار به فرمان‌برداری از خود کند و از منابع اقتصادی و مالی و انسانی آنها به سود خود بهره‌برداری نماید (آشوری، ۱۳۸۷، ص ۳۶) اما این واژه در مفهوم امروزی به معنای کنترل کشوری از سوی کشور دیگر و فرایند تحمیل اراده یک دولت بر دولت دیگر نیز به‌کار می‌رود؛ چنان‌که از نظارت آمریکا بر کشورهای خاورمیانه، امپریالیسم آمریکایی یاد شده است (گولد و کولب، ۱۳۹۲، ص ۹۳) امروزه قدرت‌های بزرگ جهت تعمیق بخشیدن به روابط سلطه‌آمیز مرکز - پیرامون تلاش می‌نمایند. جهانی‌سازی نظام سرمایه‌داری و یکدست‌کردن فرهنگ و ارزش‌های کشورهای جهان را ازجمله اهداف قدرت‌های بزرگ در مسیر جهانی‌شدن نیز دانسته‌اند (روزناو، ۱۳۷۸، ص ۱۰۲۳-۱۰۲۴) موضوعی که از دید برخی ناشی از ضرورت تغییر فضا و زمان در زندگی کنونی ماست (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۳۸) برخی دیگر، روند یکسان‌سازی و ایجاد ارزش‌های مشترک را در قالب غربی‌سازی جهان بیان می‌کنند. وضعیتی که در آن نظام سرمایه‌داری با تلاش در ایجاد فرهنگ جهان‌شمول، بشریت را به خدمت خود درآورده است (لاتوش، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

بر اساس نظریه نظام جهانی والرتاین که به ساختار نابرابر قدرت در روند شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری در سطح جهانی اشاره دارد (والرتاین، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷)، دولت‌ها در سه موقعیت ساختاری محور، پیرامون و شبه پیرامون با نقش و کارکرد ویژه خود قرار می‌گیرند (والرتاین، ۱۹۷۴م، ص ۳۴۹). مطابق این نظریه، کشورهای مرکز یا محور همواره دارای قدرت برتر و تولیدکننده محصولات صنعتی و مصرف‌کننده مواد اولیه و معدنی می‌باشند و کشورهای پیرامون، مصرف‌کننده تولیدات صنعتی و صادرکننده مواد معدنی به کشورهای محور می‌باشند و کشورهای شبه پیرامون نیز نقش بینابینی را ایفا می‌کنند. والرتاین،





موتور محرکه نظام سرمایه‌داری را انباشت سرمایه و صدور آن توسط کشورهای مرکز می‌داند که این عملکرد باعث حفظ و تعمیق ساختار مرکز - پیرامون در سطح نظام بین‌المللی می‌گردد. والرتاین در این نظریه، ساختار نظام بین‌الملل را مبتنی بر وابستگی و سلطه دائمی می‌داند که بر اساس رابطه نابرابر مبادله و استخدام یک‌سویه استمرار و تعمیق می‌یابد و در نتیجه آن ثروت از کشورهای پیرامون به کشورهای محور منتقل می‌گردد. این ساختار غیرعادلانه در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی مبتنی بر بهره‌کشی و استثمار کشورهای ضعیف توسط کشورهای قدرتمند است و به یقین انقلاب اسلامی حرکت و جنبشی پایدار علیه این ساختار ناعادلانه به شمار می‌رود که از این مقابله با نظام سلطه به عنوان مواضع استکبارستیزی انقلاب یاد می‌گردد، البته با وجود به حق بودن این مواضع، برخی مدعی هستند که این رویکرد استکبارستیزی نه تنها هیچ فایده‌ای برای ما بعد از پیروزی انقلاب نداشته؛ بلکه ضرر آن بیشتر بوده است؛ از این روی سزاوار است در مباحث پیش رو این موضوع با مروری بر جلوه‌های استکبارستیزی انقلاب اسلامی و نتایج و پیامدهای آن مورد بررسی بیشتری قرار گیرد.

پیشینه استکبارستیزی انقلاب اسلامی

پیشینه استکبارستیزی انقلاب اسلامی در تاریخ معاصر را می‌توان در فتوای مشهور میرزای شیرازی علیه استعمار انگلیس مورد توجه قرار داد. در بیست و چهارم اردیبهشت سال ۱۲۷۰ ش انتشار فتوایی کوتاه از میرزای شیرازی، استعمار را به هراس انداخت و خواب را از چشم استبداد ربود: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ اليوم استعمال تنباکو و توتون بأی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است».

نهضت تنباکو به حق جلوه‌ای روشن از اقتدار مرجعیت شیعه در مبارزه با استکبار را به نمایش گذارد و توطئه استعمار را که به دنبال تسلط بر اقتصاد، سیاست و فرهنگ ایران و در نهایت نابودی اسلام و تشیع بود، خنثی کرد. پیروزی نهضت تنباکو به افزایش نفوذ و قدرت علمای دین در کشور انجامید؛ افزایشی که نظارت دقیق و مستمر ایشان را بر امور سیاسی - اجتماعی به عنوان یک ضرورت حیاتی و مهم مطرح ساخت و زمینه‌ساز نهضت

مشروطه و سپس انقلاب اسلامی ایران گردید؛ ازاین‌رو اگر قیام تنباکو را سرفصلی تعیین‌کننده در تاریخ مبارزات ملت ایران بر ضد استبداد شاهنشاهی و استعمار خارجی بنامیم، سخنی به‌گزارف نگفته‌ایم.

این سخن هرگز بدان معنا نیست که پیش‌ازاین روحانیت و مرجعیت علیه استبداد و استعمار تضادی نداشته است؛ زیرا حداقل هفده سال پیش‌ازاین نهضت نیز روحانی بزرگوار حاج ملاعلی کنی علیه امتیازات ظالمانه دیگر علیه ملت ایران، قیام کرده و با فریاد کوبنده و تلاش‌های مجدانه خویش استبداد را به چالش کشانده بود و اساساً پیشینه مبارزات مرجعیت شیعه علیه قدرت‌های استبدادی و استکباری در این سرزمین بر کسی پوشیده نیست، لکن نهضت تحریم به دلیل برخورداری از ویژگی‌های خاص و فرازوفرودهای موفقیت‌آمیز جلوه بارزتری از اقتدار مرجعیت شیعه را نمایان و پایه‌های استبداد داخلی و استعمار خارجی را بیش‌ازپیش متزلزل ساخت؛ پس از پیروزی نهضت تنباکو هنگامی که ناصرالدین‌شاه پایه‌های سلطنت استبدادی خویش را به‌شدت متزلزل دید، در گفتگویی با عالمان وقت تهران اعتراف کرد: «از این به بعد باید کارهای عمده دولت به مشورت و صواب دید علما تمام شود، امتیازی دیگر به خارجه نخواهیم داد» (تیموری، ۱۳۵۸، ص ۱۹۵).

جایگاه انقلاب اسلامی در ساختار نظام استکباری جهان

مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی، ضداستکباری بودن آن است؛ ازاین‌رو پس از پیروزی انقلاب و تأسیس نظام جمهوری اسلامی نیز مبارزه با سلطه استکبار در سطح جهان ادامه یافت. در کنار مبارزه با استکبار، هدف دیگر انقلاب، بیداری انسانی و آگاه‌سازی انسان‌های زیر سلطه برای رهایی از چنگال استکبار بوده است؛ ازاین‌رو آیت‌الله خامنه‌ای با تبیین ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل ذیل دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، هر دو گروه در این ساختار را مورد انتقاد قرار می‌دهد:

امروز دنیا به دو قطب و دو گروه تقسیم می‌شود یک گروه مسلط‌ها یک گروه تحت سلطه‌ها، هر دو گروه هم نظام‌سلطه را پذیرفته‌اند هم قدرت‌های بزرگ معتقدند و باور دارند که این سلطه و این نظام‌سلطه باید برقرار باشد و هم آن کسانی که زیر سلطه هستند، پذیرفتند و قبول کردند و تسلیم شدند که این نظام‌سلطه وجود داشته باشد این بزرگ‌ترین عیب و اشکال در وضع کنونی جهان است (مقام‌معظم‌رهبری، ۱۳۶۵/۱۱/۰۹).

الف) قطب سلطه‌گر و استکبار

قطب سلطه‌گر و مستکبر دارای توانایی‌های برتر اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی است که به پشتوانه قدرت خود، در امور داخلی ملت‌ها و دولت‌های دیگر در عرصه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ دخالت نموده و به دنبال حکومت بر جهان است. امروز بازیگران قطب سلطه‌گر تنها به بازیگران دولتی مانند دولت آمریکا یا کشورهای اروپایی منحصر نمی‌شوند؛ بلکه انواع نهادها، استکبار اعم از مراکز پولی و تجاری بین‌المللی، کمپانی‌های ملی و یا چندملیتی و شبکه‌های صهیونیستی را می‌توان در قطب سلطه و استکبار تعریف نمود؛ اما به تعبیر رهبر انقلاب، امروز مظهر کامل نظام سلطه، دولت آمریکا است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸). ستیز اصلی انقلاب اسلامی نیز از ابتدا با روحیه استکباری دولت آمریکا بوده است که به دنبال سلطه بر ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان است؛ از این رو رهبر انقلاب می‌فرماید:

ما همیشه این را گفته‌ایم و این جزء مسلمات انقلاب ماست که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، یک تعرض عمومی به فرهنگ غیراسلامی و ضداسلامی است که امروز بر قدرت‌های جهانی حاکم است و ارکان قدرت جهانی بر اساس آن شکل گرفته است. به همین خاطر، با اسلام و با این انقلاب و این نظام مخالف‌اند؛ زیرا اجرای فرهنگ سیاسی رایج بین قدرتمندان عالم را زیر سؤال برده است. فرهنگ ما، فرهنگی مغایر با آن فرهنگ‌هاست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۰۴/۱۰).

ب) قطب سلطه‌پذیر و وابسته

قطب دوم در ساختار ناعادلانه روابط بین‌الملل موجود، قطب سلطه‌پذیر و وابسته است که خود داوطلبانه به پذیرش سلطه قطب سلطه‌گر و استکباری تن داده است. رهبر انقلاب با شریک جرم دانستن قطب سلطه‌پذیر در ظلم قطب سلطه‌گر می‌فرماید:

امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است این یک نظام جهانی است تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد یک طرف سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌هایند و طرف دیگر دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند، اینها هم خودشان شریک جرم‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۰۴/۲۵).

انقلاب اسلامی ضمن مخالفت با هر دو قطب سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، خود در قطب مخالف سلطه و جبهه عدالت خواه قرار می‌گیرد.

ج) قطب مخالف سلطه و عدالت خواه

در برابر دو قطب سلطه گر و سلطه پذیر در روابط بین الملل، انقلاب اسلامی در قطب سومی قرار دارد که نه درصدد اعمال سلطه بر ضعف است و نه حاضر به پذیرش سلطه اقویا. تنها مصداق این قطب در جهان امروز، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران است که رابطه ساختاری موجود میان ظالم و مظلوم در نظام بین الملل را برهم زده است. آیت الله خامنه ای ضمن تشریح رسالت انقلاب اسلامی در همان سال های اولیه پس از پیروزی انقلاب فرمود:

ملت ایران به طور قاطع تصمیم دارد رابطه سنتی میان ظالم و مظلوم را که رابطه مملق از طرف مظلوم و سنگدلی و قساوت از طرف ظالم است، در روابط خود با آمریکا این رابطه سنتی را بر هم بزند. شما قدرتمندتر از ما هستید، درست است؛ اما قدرت شما قدرت مادی است. ما تصمیم داریم تسلیم قدرت مادی ابرقدرت آمریکا نشویم، ... ما تصمیم داریم این رابطه ای را که همیشه دولت های بزرگ داشتند که فشار وارد می کردند روی دولت های ضعیف تا آنها را تسلیم کنند، می خواهیم این رابطه را بشکنیم، ما می خواهیم تسلیم نشویم (مقام معظم رهبری، ۱۳۵۹/۰۵/۱۰).

تز ضد استکباری انقلاب اسلامی؛ آثار و پیامدها

جمهوری اسلامی در یک دوره چهل و چند ساله با ایستادگی و مقاومت در برابر زورگویی ها، زیاده خواهی ها و تمام اقدامات خصمانه جبهه استکبار به رهبری آمریکا علیه ملت ایران نشان داده است با اتکا به قدرت خداوند و پشتیبانی مردم خویش عزت و افتخار بزرگ را نصیب ملت ایران نموده است و برای پاسداری از این عزت و شرافت، با هیچ قیمتی در برابر رفتارهای قلدرمآبانه آمریکا و متحدانش تسلیم نخواهد شد. در این فراز به برخی از آثار و پیامدهای استکبارستیزی انقلاب اسلامی اشاره می کنیم:

الف) حفظ صلح و امنیت

یکی از مهم ترین ثمرات استکبارستیزی انقلاب اسلامی، با انتخاب گزینه مقاومت در برابر دشمنان انقلاب و قدرت های استکباری، حفظ صلح و برقراری امنیت است. امروز طلیعه های پیروزی جریان مقاومت و در رأس آن ملت مسلمان ایران در حالی آشکار



می‌گردد که درستی نکته کلیدی رهبر فرزانه انقلاب مبنی بر اینکه «هزینه سازش و تسلیم در برابر دشمن بسیار سنگین‌تر از هزینه مقاومت است»، بار دیگر برای ملت ایران و تمام ملت‌های آزاده جهان به اثبات رسیده است. تجربه الگوی مقاومت نشان داد این الگو هیچ نقطه سیاه و تاریکی ندارد و برخلاف پیش‌بینی جریان سازشکار، مقاومت و نمایش اقتدار جمهوری اسلامی هم‌اینک نه تنها سایه جنگ را بر سر ایران نگسترانید؛ بلکه در عمل حتی جرئت آغاز یک جنگ کم‌شدت از سوی دشمنان را که در برابر نمایش اقتدار ایران قرار گرفته‌اند را نیز از ایشان سلب نموده است. اکنون دشمنان ملت ایران تحت تأثیر روحیه ضد استکباری انقلاب اسلامی چنان ناامید و مرعوب گردیده‌اند که چاره‌ای جز تجدیدنظر در محاسبات اشتباه خود در منطقه ندارند. متحدان منطقه‌ای آمریکا به‌ویژه عربستان و امارات متحده به‌وضوح احساس می‌کنند برای بازگرداندن اعتبار خود چاره‌ای جز دست برداشتن از دشمنی آشکار با جمهوری اسلامی و بازگشت به سمت ایران ندارند. تحلیل‌گران سیاسی موج اقدامات غیرمنتظره دو هم‌پیمان مهم آمریکا در منطقه در ماه‌های اخیر را در راستای همین سیاست تحلیل نموده‌اند. امارات متحده عربی با خارج کردن شمار زیادی از نیروهای خود از یمن، هیئت امنیتی بلند پایه‌ای را به تهران می‌فرستد و به‌طور آشکار تلاش می‌کند خود را به ایران یعنی همان کشوری که تا دیروز آن را در صدر لیست خطرناک‌ترین دشمنان خود و محل امنیت و ثبات در منطقه معرفی می‌کرد، نزدیک کند؛ زیرا به تعبیر بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی، حاکمان امارات به این اعتقاد رسیده‌اند که از جنگ در یمن که وارد پنجمین سال خود شده هرگز پیروز خارج نخواهند شد و علاوه بر آن با وقوع هر جنگی در منطقه علیه ایران، امارات به‌عنوان کشوری که پایگاه‌های مهم نظامی آمریکا در آن واقع شده است، هدف حملات تلافی‌جویانه ایران قرار خواهد گرفت و از مهم‌ترین قربانیان جنگ خواهد بود. بخصوص که آنان در اتفاقات اخیر شاهد روحیه شجاعانه و مقتدرانه ایران در سرنگونی پهپاد متجاوز آمریکایی و یا توقیف نفت‌کش انگلیسی به‌عنوان یک پاسخ تلافی‌جویانه در مقابل بازداشت یک تانکر نفت ایرانی در تنگه جبل‌الطارق بوده‌اند و یا جدی بودن ایران در کاهش تعهدات برجامی به‌رغم تهدیدات مکرر آمریکا را مشاهده کردند و به‌درستی دریافتند قدرت‌هایی که تاکنون با پنهان شدن پشت آنان به ابراز

دشمنی با جمهوری اسلامی می‌پرداختند، در برابر اقتدار جمهوری اسلامی و عزم قاطع آن برای دفاع از منافع ملی و نظام اسلامی حرفی برای گفتن نداشتند. عربستان سعودی نیز که اکنون با فرار متحد اصلی خود از جنگ یمن به شدت احساس تنهایی می‌کند و پس از پنج سال جنگ علیه ملت مظلوم یمن که وعده پیروزی چندهفته‌ای آن را داده بود؛ اما اکنون پس از پنج سال باید عمق خاک خود را در معرض موشک‌ها و پهپادهای حوثی‌ها ببیند، چاره‌ای جز تغییر خط‌مشی خود در تشدید تنش‌ها علیه ایران نمی‌بیند و به شکلی بی‌سابقه درصدد ارتباط گرفتن با تهران برآمده است. این همه نشانه‌هایی از کارآمدی نظریه مقاومت در برابر استکبار است؛ نظریه‌ای که کارایی خود را پیش‌ازاین در مقاطع و مکان‌های گوناگون دیگری نیز به اثبات رسانده و عزت و افتخار و برقراری صلح و امنیت را برای جریان مقاومت به رهبری انقلاب اسلامی ایران به ارمغان آورده است.

ب) شکست دشمن

وعدۀ الهی همواره پیروزی اهل حق در برابر ستمگران و مستکبران بوده است (طور: ۴۲؛ قصص: ۵؛ محمد: ۷؛ حج: ۴۰) آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به این وعده الهی می‌فرماید: «خداوند متعال در آیات مکرر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرفداران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت می‌کند. ممکن است قربانی بدهند اما درنهایت شکست نمی‌خورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند اما ناکامی ندارند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱۴).

تجربه تاریخ انقلاب نشان داده که عقب‌نشینی در برابر دشمن موجب جری‌تر شدن او می‌شود؛ اما اگر ایستادگی کنیم او عقب خواهد نشست: «هرجا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هرجا تسلیم شدیم و طبق میل طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم» (همان).

پیامد استکبارستیزی انقلاب اسلامی، شکست‌های پی‌درپی آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون بوده است. امروز جمهوری اسلامی ایران برخلاف تصور برخی که همچنان در توهم «قدرت بلامنازع آمریکا» به سر می‌برند، در برابر یک نظام مقتدر شکست‌ناپذیر قرار ندارد؛ دولت آمریکا در چالش ۴۳ ساله خود با جمهوری اسلامی شکست‌های پی‌درپی را تجربه نموده است. مهم‌ترین هدف آمریکا از تحریم‌های



گسترده علیه ایران عقب نگه داشتن و به‌زاند آوردن نظام جمهوری اسلامی بود درحالی‌که این موضوع نه تنها هرگز تحقق نیافت؛ بلکه به پیشرفت و خودکفایی این نظام در تولید بسیاری از کالاهای استراتژیک منجر گردید و این بزرگ‌ترین شکست برای آمریکا است.

ج) کاهش هزینه

یکی از آثار روحیه ضداستکباری انقلاب اسلامی ایران، کاهش هزینه در مقایسه با سازش است. واقعیت این است که هزینه سازش و تسلیم، به‌مراتب از هزینه مقاومت بیشتر است. آیت‌الله خامنه‌ای با ذکر شاهد مثال‌های متعدد برای این واقعیت می‌فرماید:

مقاومت البته هزینه دارد، بدون هزینه نیست؛ اما هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت. وقتی شما در مقابل دشمن تسلیم می‌شوید، باید هزینه بدهید. رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود - خیلی اوقات هم ناراحت بودند، ناراضی بودند اما تسلیم بودند، می‌ترسیدند - هم نفت می‌داد، هم پول می‌داد، هم باج می‌داد، هم توسری می‌خورد! امروز دولت سعودی هم همین‌جور است؛ هم پول می‌دهد، هم دلار می‌دهد، هم بر طبق خواست آمریکا موضع‌گیری می‌کند، هم توهین می‌شنود؛ به او می‌گویند «گاو شیرده»! هزینه سازش، هزینه تسلیم، هزینه عدم مقاومت، از هزینه مقاومت به‌مراتب بیشتر است؛ هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴).

در طول بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی ایران بارها ثابت گردیده وادادگی و انفعال در برابر قدرت‌های استکباری همواره هزینه‌های به‌مراتب سنگین‌تری در مقایسه با حفظ روحیه انقلابی‌گری و مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم قدرت‌های استکباری برای میهن اسلامی‌مان داشته است؛ زیرا قدرت‌های استکباری به هیچ‌چیز قانع نیستند و همان‌طور که در تعاملات چند سال اخیر دیدیم، هر عقب‌نشینی در مقابل دشمنان، آنها را به مطالبات جدید وامی‌دارد و این سلسله عقب‌نشینی و مطالبه تازه هیچ پایانی ندارد. وضعیت امروز مردم فلسطین نتیجه چند دهه سازش سران تشکیلات خودگردان است که بعد از ده‌ها مذاکره با رژیم اشغالگر قدس تنها به یک باریکه کوچکی از کشورشان رضایت دادند درحالی‌که جنوب لبنان آزاد شده نتیجه چالش حزب‌الله لبنان با استکبار جهانی است. هزینه سازش رژیم پهلوی با انگلیس و آمریکا، جدا شدن بحرین به‌عنوان بخشی از خاک

سرزمین ایران بود و نتیجه مقاومت و ایستادگی در جنگ تحمیلی هشت ساله با استکبار جهانی، حفظ میهن و ممانعت از واگذاری حتی یک وجب از خاک این کشور به دشمنان را در پی داشت. هزینه سازش، تحمیل قراردادهای ننگین ترکمانچای و گلستان به کشور ایران بود؛ واگذاری حوزه آبی هیرمند، ارتفاعات مرزی آذربایجان و... بود. گرچه هزینه مقاومت ما در برابر استکبار، تحریم ایران بوده است اما هزینه سازش با دشمن نیز به مراتب سنگین تر از تحریم خواهد بود. این در حالی است که تجربه چهار دهه رویارویی انقلاب اسلامی ایران با دولت استکباری آمریکا و هم‌پیمانانش نشان داده که تحریم در ایران می‌تواند عامل پیشرفت‌های بزرگ باشد. بدون تردید و به اعتراف دشمنان نظام اسلامی، پیشرفت‌های مهم جمهوری اسلامی در دوران جنگ تحمیلی و بعد از آن نتیجه تحریم‌ها بوده است. اگر در دوران جنگ ما را تحریم نمی‌کردند و مانند دشمن متجاوز به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز می‌ساختند، امروز هیچ‌گاه از پیشرفت‌های خیره‌کننده صنایع دفاعی خبری نبود. جنگ تحمیلی به ما ثابت کرد که باید روی پای خود بایستیم و با اتکا به توانمندی‌های داخلی از حق خود دفاع کنیم. ماجرای ساخت و تولید واکسن کرونا هم از همین دست بود. دستیابی به تکنولوژی ساخت واکسن کرونا که شامل کشت سلول و سپس تکثیر ویروس و در نهایت کشتن ویروس و فیلتراسیون آن می‌شود، ایران را به جمع شش کشور واکسن‌ساز دنیا وارد کرد. به فاصله سه روز از صدور مجوز تولید واکسن برکت در ایران، آمریکا که عملاً دیگر سودی از تحریم واکسن نداشت، رسماً تحریم واکسن کرونا را لغو کرد تا حداقل وجهه بین‌المللی خود را حفظ کند و گوشه‌چشمی هم به بازار ایران داشته باشد...!

از نگاه تحلیل‌گران سیاسی، سقوط دولت وابسته افغانستان؛ سرانجام سازش با غرب است. فروپاشی سریع بیش از سیصد هزار نیروی مسلح تحت تعلیم آمریکا در افغانستان و در نهایت سقوط این کشور به دست طالبان، در اذهان محققان تاریخ خاطره اشغال ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ پس از فروپاشی چندساعته ارتش به اصطلاح مدرن و مجهز رضاشاه را که تحت سلطه و نظارت فرماندهان انگلیسی به وجود آمده بودند، زنده کرد. ارتش رضاشاهی متکی به ملت و برای ملت ایران نبود؛ ارتشی بود که در چرخه وابستگی به قدرت‌های بیگانه شکل گرفت و هرگز خود را از ملت و برای ملت نمی‌دانست. امروز چنین سرنوشتی



برای دولت افغانستان و ارتش این کشور زیر سایه وابستگی به غرب رقم خورده است؛ دولتی وابسته که تمام قدرت و موجودیت خود را از استکبار غرب و نه ملت افغانستان می‌دید. مردم افغانستان به چشم خود دیدند که آمریکای جنایتکار بیست سال پیش افغانستان را اشغال کرد و به مردم ستم‌دیده این کشور که سرزمین‌شان سال‌ها زیر چکمه سربازان اشغالگر لگدمال شده بود، به‌دروغ نوید برقراری امنیت، آزادی و دموکراسی را داد؛ اما درنهایت پس از بیست سال با فداکردن نوکران و وابستگان سیاسی خویش در افغانستان از این کشور فرار کرد. مردمی که فکر می‌کردند پیمان‌های استراتژیک و امنیتی با آمریکا نجات‌بخش کشورشان خواهد بود متوجه اشتباه فاحش خود شدند.

اشغال ایران در شهریورماه ۱۳۲۰ نیز نتیجه دو دهه وابستگی، اعتماد نابه‌جا و بی‌ارادگی حاکمی دست‌نشانده در ایران بود که نصب و عزلش هر دو به دست قدرتهای غربی و استکباری اتفاق افتاد. همان‌گونه که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ایران نیز نتیجه اعتماد اشتباه دکتر محمد مصدق به آمریکا بود. مصدق عقیده داشت برای مقابله با انگلیس می‌توان روی آمریکا حساب کرد و از این جهت به کمک آمریکا چشم امید دوخته بود؛ اما این خوش‌بینی هزینه سنگینی به کشور تحمیل نمود.

د) حفظ عزت و اقتدار

استکبارستیزی در انقلاب اسلامی ایران، همواره عزت و اقتدار را برای ملت ایران به ارمغان آورده است. سرنگونی پهلپاد فوق پیشرفته آمریکایی که ادعا می‌شد جزء گران‌ترین و توانمندترین پهلپادهای جاسوسی جهان بشمار می‌رفت، جلوه‌ای از اقتدار ایران است که در مبارزه با دولت استکباری آمریکا به‌دست‌آمده است. سرنگونی «گلوبال هاوک» پهلپاد فوق پیشرفته آمریکایی از سوی سپاه پاسداران که به مرزهای ایران تجاوز نموده بود، شوک بزرگی به فرماندهان نظامی آمریکا و سران کاخ سفید وارد ساخت و کارشناسان غربی را نیز به اعتراف در خصوص قدرت و دقت بالای نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران واداشت. سرنگونی این پهلپاد فوق پیشرفته و به‌اصطلاح رادارگریز با تنها شلیک یک موشک ایرانی و اصابت دقیق موشک به آن درحالی‌که همراه با آن یک هواپیمای دیگر با ۳۶ سرنشین در حال پرواز بود، نشان از دقت و قدرت بالای پدافندی جمهوری اسلامی ایران داشت؛ از این‌رو در واکنش‌های اولیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در مواجهه با این رخداد بزرگ

نظامی، نوعی سردرگمی آشکار به چشم می‌خورد که مجموعه‌ای از تهدید و عقب‌نشینی را شامل می‌شود و درنهایت از تمایل او به تنش‌زدایی با ایران حکایت دارد.

زمانی که جمهوری توسط دولت آمریکا تحریم می‌شود و این قدرت استکباری تهدید می‌کند به ایران اجازه نخواهد داد یک قطره نفت خود را به فروش رساند، پهلوگرفتن نفتکش‌های ایرانی با پرچم جمهوری اسلامی در بندر ونزوئلا، کشوری که حیات خلوت آمریکا به شمار می‌رود، تحقیر قدرت آمریکا و اقتدار جمهوری اسلامی را به اثبات می‌رساند. به دنبال تصمیم قاطع ایران مبنی بر ارسال محموله‌های بزرگ بنزین به ونزوئلا تحت تحریم - اقدام شجاعانه‌ای که شاید بزرگ‌ترین قدرت‌های رقیب آمریکا در جهان نیز جرئت انجام آن را نداشته باشند - و پس‌ازآنکه دولت آمریکا اعلام کرد با اعزام رزم‌ناوهای خود به منطقه کارائیب، به مقابله با نقض تحریم‌های آمریکا از سوی ایران خواهد رفت، جهان بار دیگر به انتظار نتایج یکی دیگر از چالش‌های بزرگ میان ایران و آمریکا نشست؛ اما همان‌گونه که در واقعه موشک‌باران پایگاه آمریکایی عین‌الأسد؛ توقیف نفت‌کش انگلیسی و چالش‌های دیگر میان ایران و آمریکا به اثبات رسید، آمریکا هرگز جرئت عملی ساختن تهدیدات خود در برابر ایران قدرتمند را ندارد و مواجهه اقتدارآمیز و عزت‌مدارانه ایران در برابر آمریکا، همواره این کشور را به عقب‌نشینی واداشته است. روزنامه الکترونیکی «رأی‌الیوم» پس از ورود نخستین نفت‌کش حامل سوخت ایران به ونزوئلا ضمن ستایش از این اقدام شجاعانه ایران نوشت: «می‌دانیم احساس دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که پیگیر رسیدن نخستین نفت‌کش ایرانی به یکی از بندرگاه‌های ونزوئلاست، چیست؟ اقدامی که چالش قوی برای تهدیدهای وی و شکست محاصره ظالمانه‌ای است که به ونزوئلا تحمیل کرده، ولی خوب می‌دانیم که احساس فرد شکست‌خورده خوار شده را دارد» «رأی‌الیوم» با اشاره به اینکه اقدام تهران، حمایت از ونزوئلا و ملت و رئیس‌جمهور این کشور و شکست محاصره آمریکاست، تأکید کرد، تفاوت اساسی بین ایران و آمریکا این است که تهران فرآورده نفتی به یک ملت محاصره‌شده فرستاده که سران آن، «نه» بزرگی به تلاش‌های آمریکا برای به‌زانو درآوردن کشور خود گفته‌اند، ولی آمریکا نیروهای مزدور خود را برای سرنگونی «نیکولاس مادورو» رئیس‌جمهور منتخب ونزوئلا فرستاده تا یکی از



مزدوران خود را در رأس هرم قدرت این کشور قرار دهد. به گزارش این روزنامه، «رئیس‌جمهور آمریکا به‌خوبی پی برده است که ایران هر تهدیدی کرده، آن را عملی کرده است و می‌داند زمانی که ایران، به دولت آمریکا نسبت به هرگونه مزاحمت برای نفتکش‌های ایرانی، هشدار داد، حتماً پاسخ ویرانگری به هرگونه اقدام آمریکا خواهد داد». در اینجا جا دارد مقایسه‌ای از عزت و اقتدار فعلی ایران با قبل از انقلاب نیز داشته باشیم و این اقدام شجاعانه ایران تحت تحریم‌های ظالمانه آمریکا را با وضعیت ایران در دوره پهلوی مقایسه کنیم؛ پس از ملی شدن صنعت نفت ایران در سال ۱۳۲۹ و با به رسمیت شناخته نشدن این اقدام از سوی استعمار انگلیس، دولت انگلستان ایران را مورد تحریم نفتی قرار داد و مانع از فروش نفت ایران به دیگر کشورها شد؛ در این مقطع انگلستان علی‌رغم اینکه در آن دوره اقتدار چندانی نیز برایش باقی نمانده بود، تهدید کرد چنانچه کشتی‌های نفت‌کش یک کمپانی از دولت ایران (مصدق) نفت خریداری کند مورد تهدید ناوهای جنگی انگلیس قرار خواهد گرفت. دراین‌بین تنها شرکت خصوصی «ایپم» ایتالیایی تصمیم گرفت با ۲۵ درصد تخفیف و با پرداخت شکر در برابر نفت، نفت ایران را خریداری نماید. یک شرکت خصوصی ایتالیایی با اجاره نفت‌کش رزماری، در حصار تحریم اقتصادی انگلیس وارد بندر ماهشهر شد و پس از بارگیری نفت با پرچم هندوراس به سمت مقصد خود حرکت کرد؛ اما به ناگهان کشتی در مسیر اروپا متوقف شد و پس از چند روز بی‌خبری خبر توقیف نفت‌کش رزماری توسط انگلیس منتشر شد. در دادگاه عدن انگلیس استدلال کرد که شرکت نفت انگلیس - ایران، مالک قانونی تمام نفت ایران است و رزماری در حال حمل دارایی‌های مسروقه بوده است درنتیجه حکم دادگاه به نفع انگلیس تمام شد، درنهایت با رأی دادگاه، نفت ایران به شرکت سابق (انگلیس) رسید و حتی هزینه‌های تخلیه بار و دادرسی نیز از ایران دریافت شد!

در دوره رضاشاه نیز وضع ایران بهتر از این نبود. زمانی که بحرین که جزئی از خاک ایران بود، تحت سلطه انگلیسی‌ها قرار داشت، رضاشاه برای اینکه انگلیسی‌ها را از خود ناراضی نسازد هرگز جرئت اعتراض علنی علیه انگلستان و دفاع از اتباع ایرانی این جزیره را پیدا نکرد تا اینکه در سه دهه بعد فرزندش محمدرضا در راستای جلب حمایت آمریکا و

انگلیس ننگ جدایی بحرین از ایران را به جان خرید. درنهایت بحرین تحت حکومت یک دولت دست‌نشانده انگلیسی در روز ۲۳ مرداد ۱۳۵۰ رسماً استقلال خود را از سرزمین مادری خود ایران اعلام کرد و ایران نخستین کشوری بود که یک ساعت پس از اعلام استقلال، آن کشور را به رسمیت شناخت!

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی زیر تحریم‌های شدید غرب توانست در دفاع از منافع ملی کشور اقتداری مثال‌زدنی از خود به نمایش گذارد. در طول هشت سال دفاع در برابر متجاوزان به این سرزمین اجازه نداد یک وجب از خاک ایران از این کشور جدا شود. ۶۷ سال پس از ماجرای نفت‌کش رزماری، انگلیس اقدام به توقیف یک نفت‌کش ایرانی (گریس - ۱) کرد؛ اما این بار انگلیس در برابر اقدام شجاعانه نیروی دریایی سپاه در توقیف نفت‌کش انگلیسی مجبور به عقب‌نشینی و آزادسازی نفت‌کش ایرانی شد.

جمع‌بندی

امروز می‌توان گسترش الگوی استکبارستیزی انقلاب اسلامی به سراسر جهان را مشاهده کرد. با بیداری ملت‌ها، قدرت قطب سلطه‌گر که در رأس آن آمریکا قرار دارد در حال افول است. نشانه‌های این افول را امروز می‌توان در بحران اقتصادی و افزایش بی‌سابقه بدهی‌های آمریکا، شکست سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی، منفور شدن وجهه آمریکا در بین مردم جهان و افزایش مشکلات و نارضایتی‌های اجتماعی مشاهده کرد. از سوی دیگر، تحولات جهان اسلام و بیداری ملت‌های مسلمان و تغییرات در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا از نشانه‌های دیگر این تحول است. تضعیف رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی دیگر از نمادهای قطب سلطه‌گر، نشانه‌ای از ضعف عمومی این قطب به شمار می‌آید. در کنار این مسائل، سر برآوردن قدرت‌های جدید در عرصه بین‌الملل و ظهور بازیگران جدید در کنار بازیگران سنتی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که به‌تازگی وارد عرصه شده و در تلاش‌اند جایگاه خود را در نظم جدید پیش‌رو، تثبیت کنند نشان از حرکت جهانی به سمت شکل‌گیری قطب مخالف سلطه و قدرت‌های استکباری است. تحولات موجود در جهان نشان می‌دهد برآمدن قدرت‌های جدید با بروز ضعف در قدرت‌های استکباری همراه بوده است. چشم‌انداز تحولات جهانی، نویدبخش یک نظام چندوجهی است که در آن، قطب‌های

سلطه‌گر جای خود را به مجموعه‌ای از کشورها و فرهنگ‌ها و تمدن‌های متنوع و با
خاستگاه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌دهند. بدون تردید انقلاب اسلامی
آغازگر این تحول جهانی بود و باروحیه ضداستکباری خود آن را تداوم بخشیده است.



فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ شانزدهم، تهران: مروارید، ۱۳۷۸.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.
۳. تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو: مقاومت منفی در ایران، تهران: جیبی، ۱۳۵۸.
۴. روزناو، جمیز، «پیچیدگی و تناقض‌های جهانی‌شدن»، ترجمه احمد صادقی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۹-۳۳.
۵. گولد، جولیس و کولب، ویلیام، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام و همکاران، تهران: مازیار، ۱۳۹۲.
۶. گیدنز، آنتونی، جهان رهاشده، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی، ترجمه علی‌اصغر سیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب، ۱۳۷۹.
۷. لاتوش، سرژ، غربی‌سازی جهان (اهمیت، وسعت و حدود حرکت به سوی یکپارچگی جهان)، ترجمه فرهاد مشتاق صفت، تهران: سمت، ۱۳۷۹.
۸. والرتاین، ایمنوئل موریس، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئو کالچر)، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نی، ۱۳۷۷.
۹. Wallerstein, Imanuel (1974), The Modern World System, New York: Academic Press.